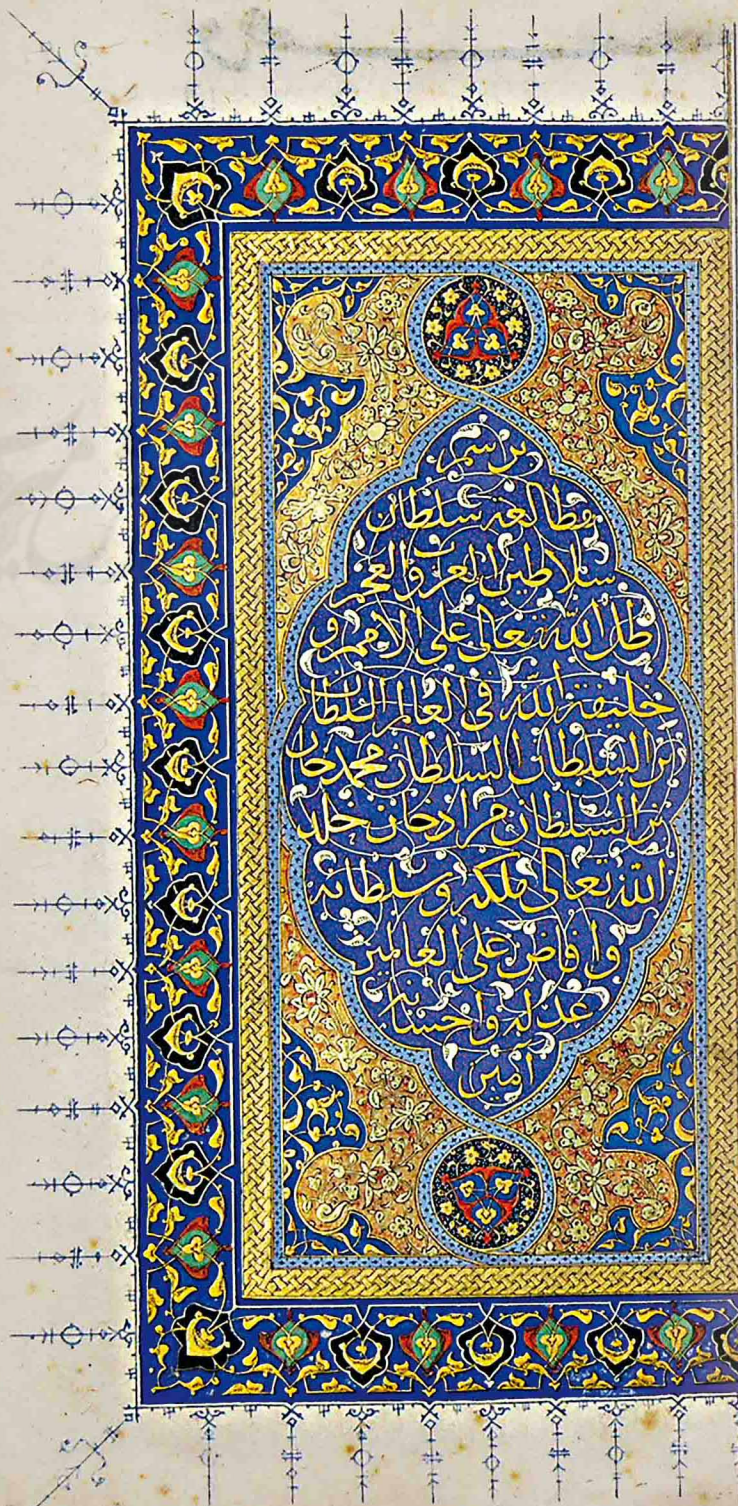


گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱ [انتشار: زمستان ۱۴۰۳]

- جلال متینی و خدمات او به میراث مکتوب فارسی ● تخبیر الکلام، اثری نویافته از سیف‌الدین اسفرنگی در سبب نزول بعضی از آیات قرآن / بهروز ایمانی
- یادمانی از دوره سلجوقی در حلب / احمد عاصبار ● برخی واژه‌ها و اصطلاحات مغولی در الواسیل الی الریاسیل / علی صفری آق‌قلمه ● به نیروی بازوی کیخسروی: درباره نام گرجی الهوردی خان / محمدصادق میرزا ابوالقاسمی ● برای محافظت و از روی مهرورزی: اعمال عاطفی در نقاشی‌های نسخه‌های خطی ترکی - ایرانی دوران مدرن متقدم / کریم‌تین گروبر، ترجمه: نسترن بجایی ● سه یادداشت ریشه‌شناسی: بشکول، بزکول، بشول، بشول، بزکول، بشکولین؛ دیزه؛ بلج / حسن رضایی باغ‌بیدی، ترجمه: میلاد یگلدو ● شواهدی بر درستی ترجمه بنداری از «ماده سهر» به «ناقه بنت ثلاثین» / حسین شهرابی ● درباره مفردات و رباعیات حسینعلی میرزا فرمان‌فرما / علیرضا خزایی ● درآمدی بر محصلات فهرست‌نویسی نسخ خطی فارسی در لهستان؛ نگاهی گذرا به نسخ خطی بهار دانش در ورشو و طوطی‌نامه در ورسلاو / ستایش‌آف آدام یاشکونسکی ● اشعار نویافته خالص استرآبادی / سید هادی میرآقایی ● درنگی بر تصحیح احسن القصص؛ سنجش متن تصحیح‌شده احسن القصص با نسخه اساس (محفوظ در کتابخانه چلبی عبدالله ترکیه) / سید رضا موسوی هفتادر ● نقد و بررسی تفاوت ضبط‌های زرین‌قنانه با دست‌نویسی نویافته / صادق ارشی ● ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۵) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ● زندگی و آثار فریدون بیگ / نصرالله صالحی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مطبع: مرکز اسناد و کتابخانه ملی
تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.



۱۰۱

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی
دوره سوم، سال هفتم، شماره چهارم
زمستان ۱۴۰۱ [انتشار: زمستان ۱۴۰۳]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.com

gozareh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: دستنویسی مورخ ۸۷۰ق از تحریر
المجسطی، اثر نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن
الطوسی (۵۹۷-۶۷۲ق)، که به رسم خزانة سلطان محمد
فاتح (۸۴۸-۸۸۶ق) انتساخته شده و اکنون به شماره
۱۳۶۰ در مجموعه فیض‌الله افندی در کتابخانه ملت
(استانبول) نگهداری می‌شود.

فهرست

سرتن

جلال متینی و خدمات او به میراث مکتوب فارسی..... ۳-۴

بسمت

تخیر الکلام، اثری نویافته از سیف‌الدین اسفرنگی در سبب نزول بعضی از آیات قرآن /

بهروز ایمانی ۵-۹

یادمانی از دوره سلجوقی در حلب / احمد خامه‌پار ۱۰-۱۲

برخی واژه‌ها و اصطلاحات مغولی در الواسیل الی الرسایل / علی صفری آوقلمه ۱۳-۱۹

به نیروی بازوی کیخسروی: درباره نام گرجی اللوردی خان / محمّدصادق میرزا ابوالقاسمی ۲۰-۲۲

برای محافظت و از روی مهرورزی: اعمال عاطفی در نقاشی‌های نسخه‌های خطی ترکی - ایرانی دوران

مدرن متقدم / کریستین گرویر: ترجمه: نستر نجانی ۲۳-۵۰

سه یادداشت ریشه‌شناختی: بشکول، پزکول، بشول، پزگول، بشکولیدن؛ دیزه؛ بلوچ / حسن رضایی باغبیدی:

ترجمه: میلاد بیگلر ۵۱-۵۴

شواهدی بر درستی ترجمه بنداری از «ماده سهر» به «ناقه بنت ثلاثین» / حسین شهرابی ۵۵-۶۳

درباره مفردات و رباعیات حسینعلی میرزا فرمان‌فرما / علیرضا خزایی ۶۴-۶۹

درآمدی بر معضلات فهرست‌نویسی نسخ خطی فارسی در لهستان: نگاهی گذرا به نسخ خطی بهار دانش

در ورشو و طوطی‌نامه در ورسلاو / ستانیسواف آدام باشکوفسکی ۷۰-۸۰

اشعار نویافته خالص استرآبادی / سیدهای میرآقایی ۸۱-۸۷

نقد و بررسی

درنگی بر تصحیح احسن القصص؛ سنجش متن تصحیح‌شده احسن القصص با نسخه اساس (محفوظ در

کتابخانه چلبی عبدالله ترکیه) / سیدرضا موسوی هفتاد ۸۸-۹۹

نقد و بررسی تفاوت ضبط‌های زرین‌قبانامه با دست‌نویسی نویافته / صادق ارشی ۱۰۰-۱۱۳

پژوهش‌های باستان‌شناسی

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۵) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۱۴-۱۱۷

ایران در متون و منابع عثمانی (۲۸)

زندگی و آثار فریدون بیک / نصرالله صالحی ۱۱۸-۱۲۲

راهنمای نویسندگان و خوانندگان

- آرای مندرج در نوشته‌ها لزوماً منطبق با نظر گزارش میراث نیست.
- گزارش میراث در پذیرش و ویرایش مقالات مختار است.
- نقل مطالب این نشریه با ذکر مأخذ مجاز است.
- مقالاتی که پذیرفته نشده‌اند، بازگردانده نمی‌شوند.
- نسخه ویراسته و نهایی مقالات، حتی المقدور با تأیید نویسندگان به چاپ خواهد رسید.

از نویسندگان می‌خواهیم به نکات زیر توجه فرمایند:

- مقالات ارسالی نباید پیش‌تر در نشریه‌ای منتشر، یا همزمان به نشریات دیگر تحویل شده باشد؛ در غیر این صورت، مجله از چاپ دیگر مقالات نویسنده معذور است.
- نوشته‌های خود را به صورت تایپ‌شده با نرم‌افزار Word و به نشانی gozaresh@mirasmaktoob.ir بفرستید.
- تصاویر، جدول‌ها و نمودارها جداگانه و با فرمت JPEG یا TIFF ارسال شوند.
- به همراه مقالات مترجم، رونوشت متن اصلی و اطلاعات کامل کتاب‌شناختی مقاله ترجمه‌شده فرستاده شود.
- در مقالات نقد و بررسی، لازم است تصویر روی جلد کتاب، نیز مشخصات کتاب‌شناختی آن درج شود؛ شامل موارد زیر:
 - نام مؤلف. عنوان کتاب. نام مصحح/ مترجم. محل چاپ: ناشر، سال چاپ.
 - ارجاعات به صورت زیر تنظیم شود:
 - نام خانوادگی، تاریخ انتشار: [جلد/ شماره صفحه (مثلاً: افشار، ۱۳۸۹: ۲۱۲)].
 - تبصره: اگر ارجاع بعدی به اثری دیگر از همان نویسنده باشد، به جای نام خانوادگی: همو؛ اگر ارجاع بعدی به همان کتاب باشد، به جای نام خانوادگی و تاریخ نشر: همان؛ اگر ارجاع بعدی عین ارجاع قبلی باشد: همانجا.
 - کتابنامه در پایان مقاله به ترتیب الفبایی، بر اساس نام خانوادگی یا نام شهر مؤلفان، بدین شیوه تنظیم شود:
 - کتاب: نام خانوادگی/ نام شهر، نام (تاریخ انتشار). عنوان کتاب. [نام مترجم، مصحح و...]. [شماره ویراست]. محل نشر: ناشر. (مثلاً: آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۷). چالش میان فارسی و عربی. ویراست دوم. تهران: نشر نی).
 - مقاله در مجله: نام خانوادگی، نام (تاریخ انتشار). «عنوان مقاله». [نام مترجم]. نام نشریه، دوره یا سال، شماره: شماره صفحات. (مثلاً: صادقی، علی اشرف (۱۳۶۸). «یک قاعده آوایی». مجله زبانشناسی، سال ششم، ش ۲: ۶۲-۷۴).
 - مقاله در دانشنامه، مجموعه مقالات و...: نام خانوادگی، نام (تاریخ انتشار). «عنوان مقاله». [نام مترجم]. در: نام دانشنامه/ مجموعه مقالات. زیر نظر/ به کوشش. محل نشر: ناشر. شماره صفحات. (مثلاً: خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۱). «اهمیت و خطر مأخذ جنبی در تصحیح شاهنامه». در: سخن‌های دیرینه. به کوشش علی دهباشی. تهران: افکار. ص ۲۸۵-۳۱۲).
 - دستنویس: نام شهر، نام. عنوان کتاب. شماره دستنویس و کتابخانه. تاریخ کتابت. نام کاتب. (مثلاً: نیشابوری، معین‌الدین محمد بن محمود. بصائر یمنی. دستنویس ش ۳۵۸۴ کتابخانه ملی تبریز. مورخ پنجشنبه ۴ جمادی الاول ۶۸۰ق. به خط ابی‌الخیر محمد بن ابی‌بکر خراسانی تفتازانی.)

نقد و بررسی تفاوت ضبظ‌های زرین‌قبانامه با دست‌نویس نویافته

صادق ارشی

مدرّس دانشگاه فرهنگیان همدان
s.arshia1361@gmail.com

شخصی عباس فرهادی‌مقدم^۱ (ورزشکار، خبّر و فعّال فرهنگی؛ نک. کلاچی، ۱۳۹۳: ۴۳۲، ۶۸۶) در همدان یافته و بررسی شده‌است. کاتب دست‌نویس فتحعلی فرزند باقرسلطان کرمانی، مشهور به زرنندی، و تاریخ اتمام آن در انجامه ۱۲۷۳ق (دوسال پس از ک، یعنی دست‌نویس اساس آیدنلو) در «طهران» است. دست‌نویس مذکور، از آن‌جا که پاکیزه، بدون موریانه‌خوردگی و بیدزدگی است، همچنین به‌خاطر اشتمال بر ابیاتی که در تصحیح آیدنلو نیامده‌است (و بالعکس)، می‌تواند راه‌گشای بسیاری از ضبظ‌های مخدوش و سست قرار گیرد، تا حدّی که می‌تواند در تصحیح و چاپ‌های احتمالی بعدی منظومه، به‌عنوان دست‌نویس اساس یا یکی از مهم‌ترین مستندهای آن قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

در باب زرین‌قبانامه یا شاهنامه اسدی نخستین بار علی سلطانی‌گردفرامرز در کتاب سیمرخ در قلمرو فرهنگ ایران (۱۳۷۲) در بخش «سیمرخ چاره‌گر حماسه‌ها»، به حضور سیمرخ و خاندان زال در نسخه‌ای اشاره کرده‌است (سلطانی‌گردفرامرز، ۱۳۷۲: ۶۶؛ به‌نقل از آیدنلو، ۱۳۹۳: ۸-۹).

۱. برای آگاهی از زمان احتمالی سرایش منظومه (۸۰۹ق) با توجّه به ماده‌تاریخ نسخه ۱م و تاریخ احتمالی سده‌های هشتم تا دهم نک. قائمی، ۱۳۹۱: ۱۱۸، ۱۲۶؛ نیز همو، ۱۳۹۵: ۳۵۳؛ آیدنلو، ۱۳۹۲: ب: ۲۲؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۵؛ نیز نک. اتونی، ۱۴۰۰: ۵۶-۵۷.
۲. برای آگاهی از خلاصه بسیار کوتاهی از موضوع منظومه نک. آیدنلو، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۵.
۳. عدد ابیات منظومه در یکی از پژوهش‌های آیدنلو (پیش از انتشار منظومه) ۲۳۵۳۳ ذکر شده‌است (نک. آیدنلو، ۱۳۹۲: ب: ۲۱-۲۳)، در پژوهشی دیگر ۲۳۱۳۳ (همو، ۱۳۹۳: ۱۵، ۱۲) و در یک سهو تایپی هم ۲۱۱۳۳ ثبت شده‌است (همان: ۲۳). قائمی ابیات را حدود ۲۴۰۰۰ و یک بار هم ۲۳۵۰۰ ذکر کرده‌است (نک. قائمی، ۱۳۹۵: ۳۴۳، ۳۴۴؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۱۹). دمشقی‌خیابانی هم عدد ابیات منظومه را بیش از ۲۳۰۰۰ گفته‌است (دمشقی‌خیابانی، ۱۳۹۵: ۷۲۴).
۴. درباره نام/لقب «اسدی دوم» نک. قائمی، ۱۳۹۵: ۳۵۶.
۵. برای آگاهی از چگونگی انتخاب نام «زرین‌قبانامه» نک. آیدنلو، ۱۳۹۳: ۹-۱۱؛ همو، ۱۳۹۲: الف: ۳؛ همو، ۱۳۹۲: ب: ۲۲؛ و در انتقاد از نام انتخابی آیدنلو نک. ارژنگی، ۱۳۹۷: ۱۱۲-۱۱۳.
۶. برای آگاهی از چرایی و چگونگی انتخاب عنوان «سراینده‌ای ناشناس» برای شاعر منظومه نک. آیدنلو، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۳.
۷. نگارنده به‌پاس زحمات مالک محترم دست‌نویس مورد بحث در مقاله حاضر، جناب آقای عباس فرهادی‌مقدم، در حفظ آثار باستانی و میراث ملی، رمز دست‌نویس مذکور را ف قرار داده و در پژوهش حاضر همه جا با رمز مذکور از آن یاد کرده‌است.

مقدمه

زرین‌قبانامه، به‌تعبیر آیدنلو (۱۳۹۳: ۷) «یکی از بهترین منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه»، عنوان منظومه‌ای پهلوانی و عامیانه (احتمالاً از دوره صفویه^۱، به‌تقلید از شاهنامه فردوسی)^۲ است که آیدنلو آن را بر اساس سه دست‌نویس شناخته‌شده تا سال ۱۳۹۳ (ک: نسخه شماره ۱۶۰۹ کتابخانه ملی، کتابت ۱۲۷۱ق، لاهیجان؛ م: نسخه اول کتابخانه مجلس، شماره ۱۱۷۰، احتمالاً از سده سیزدهم؛ م: نسخه دوم کتابخانه مجلس، کتابت ۱۳۲۵ق)، در ۲۳۱۳۳ بیت^۳ تصحیح و منتشر کرده‌است. سراینده منظومه -آن‌چنان‌که در ساقی‌نامه‌های مندرج در برخی دست‌نویس‌های موجود نیز آمده-، احتمالاً شاعری به‌نام «حکیم اسدی» («اسدی دوم»^۴، نه اسدی توسی) و نام منظومه نیز (طبق رسم منظومه‌های تقلیدی مشابه که دیگر پژوهشگران نیز ذکر کرده‌اند)^۵ «شاهنامه اسدی» است؛ اما مصحح سراینده را ناشناس دانسته و نام «زرین‌قبانامه» را (آن‌چنان‌که در مقدمه کتاب نیز اشاره کرده) به‌صورت پیشنهادی بر آن نهاده و احتمال سرایش منظومه توسط اسدی^۶ را مردود دانسته‌است (آیدنلو، ۱۳۹۲: الف: ۴). دست‌نویس نویافته^۷ ف چهارمین دست‌نویس از این منظومه است که توسط نویسنده مقاله حاضر، در موزه

در نهایت بهزاد اتونی متن مصحح آیدنلو را نقد کرده و پیشنهادهایی برای تصحیح دوباره آن عرضه کرده‌است (۱۴۰۰). نگارنده این سطور پس از یافتن دست‌نویس چهارم متن، به بررسی همه‌جانبه آن پرداخته‌است و مقالاتی در نقد و معرفی آن در دست تحریر و چاپ دارد.^{۱۰} نگارنده در مقاله حاضر زرّین‌قبانامه را بر اساس نسخه نویافته، نقد کرده و اختلافات هر دو را ثبت و پیشنهادهایی نیز برای پژوهشگران و مصححان احتمالی متن در آینده عرضه کرده‌است. نگارنده کوشیده‌است تا تفاوت ضبیط‌ها را در دو بخش عرضه کند: در یکی به توضیح و تفسیر و... پرداخته و به چند مورد کوتاه که می‌توانسته در روند ابیات و داستان خلل وارد کند اشاره کرده و در بخش پایانی موارد را تنها در جدول و به صورت مختصر بیان کرده‌است.

بحث و بررسی

۱. توضیح و تفسیر تفاوت ضبیط‌های دست‌نویس «ف» و زرّین‌قبانامه
کوشش مقاله حاضر بر این بوده تا تمامی تفاوت ضبیط‌های متن چاپی زرّین‌قبانامه را با دست‌نویس نویافته ف مورد بحث و بررسی قرار دهد. با توجه به انبوه شاهد‌ها کوشیده شده‌است تا مهم‌ترین موارد با توضیح و تفسیر ارائه شود و در بقیه موارد تنها به ذکر مثال و آدرس اکتفا شده‌است. در ادامه به موارد مهم‌تر و بحث و بررسی آن‌ها پرداخته شده‌است.

(۴۱۶) مرا بیژن گيو کردند نام
به كيوان برآرم سرخشم فام

ف (۱۲ خط ۶): به کیوان درام سر خم به خام
آیدنلو «سر خشم فام» را، با قید تردید، به معنای خشمگین

۸. در این باره نک. قائمی، ۱۳۹۵: ۳۴۴.
۹. دمشقی خیابانی نیز به متن تصحیح شده و آماده قائمی با نام «شاهنامه اسدی» اشاره کرده‌است (دمشقی خیابانی، ۱۳۹۵: ۷۲۴).
۱۰. استاد محترم، آقای دکتر فرزاد قائمی، در تماس‌های تلفنی و نیز ملاقات حضوری، نگارنده را (در دانشگاه فردوسی مشهد) در باب متن مصحح خویش و مسائل مربوط به آن بنده را راهنمایی فرمودند و اطلاعات ذی‌قیمتی نیز در اختیار او گذاشتند؛ نگارنده مدیون و سپاس‌گزار الطاف ایشان است.

پس از او فرزاد قائمی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای به معرفی و نقد منظومه به‌عنوان حماسه‌ای ناشناخته پرداخته‌است. هم او (گویا هم‌زمان و بدون اطلاع از اشتغال آیدنلو به تصحیح متن^۸) متن مصححی از منظومه پیراسته و در یکی از پژوهش‌هایش به «در حال انتشار بودن آن در انتشارات سورۀ مهر» اشاره کرده (قائمی، ۱۳۹۸: ۱۲۴)،^۹ اما هنوز چاپ و منتشر نشده‌است. پس از او آیدنلو در سه مقاله به نکات و بن‌مایه‌های منظومه (۱۳۹۲ الف)، شرح و تفسیر چند واژه نادر و نویافته در متن (۱۳۹۲ ب) و معرفی زرّین‌قبانامه در هفت بخش (نام منظومه، سراینده، زمان نظم، موضوع، مأخذ، کیفیت نظم و برخی ویژگی‌های سبکی) (۱۳۹۳) پرداخته‌است. هم او (۱۳۹۳) منظومه را تحت عنوان زرّین‌قبانامه در ۱۴۳۹ صفحه شامل ۱۸۲ صفحه مقدمه، ۱۰۹۰ صفحه متن شامل ۲۳۱۳۳ بیت و ۱۶۷ صفحه تعلیقات و توضیحات، تصحیح کرده و انتشارات سخن آن را چاپ و منتشر کرده‌است. قائمی (۱۳۹۳)، به پیوند عناصر ملی و دینی در منظومه پرداخته‌است. هم او (۱۳۹۵) بر اساس قوانین دوازده‌گانه آند، الگوی جدیدی در نقد متنی منظومه معرفی کرده‌است. بهمن دمشقی خیابانی (۱۳۹۵)، ذیل مدخل «زرّین‌قبانامه» منظومه را معرفی کرده و به ادبیات عامه در آن پرداخته‌است. محمد نجاری و ابوالقاسم قوام (۱۳۹۵)، منظومه را از دیدگاه شخصیت‌پردازی نمایشی بررسی کرده‌اند. همان پژوهشگران (۱۳۹۶)، در پژوهشی برگرفته از رساله دکتری محمد نجاری (۱۳۹۶) با عنوان «نقد اسطوره‌شناختی زرّین‌قبانامه بر مبنای نظریه یونگ» (به راهنمایی ابوالقاسم قوام و مشاوره سجاد آیدنلو در دانشگاه فردوسی) به این نتیجه رسیده‌اند که متون نقالی از قبیل زرّین‌قبانامه راهی برای تبلیغ و ترویج مذهب در دوره صفوی بوده‌است. کامران ارژنگی (۱۳۹۷) زرّین‌قبانامه را نقد کرده و برخی نکات و پیشنهادها برای تصحیح متن ارائه کرده‌است. قائمی (۱۳۹۸) به پیوند دو عامل عرفان و مذهب و پیوند آرای شیعی و صوفیانه در متن منظومه پرداخته‌است. علیرضا باقری و دیگران (۱۴۰۰) مقاله «مقایسه ساختاری عاشقانه‌های زرّین‌قبانامه و شاهنامه» را منتشر کرده‌اند و

گرفته‌است (ص ۱۲۷۹)، اما به گمان نگارنده منظور شاعر این است که «من (بیژن) سر خمیده کیوان را (که در فلک هفتم و بین همه کواکب اعلی و اعظم است؛ نک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «کیوان») به خام (کمند) می‌کشم». با این اوصاف ضبط ف درست‌تر و حماسی‌تر به نظر می‌رسد. البته آیدنلو در نمونه دیگر «در خم خام گرفتن» ضبط کرده‌است: «سر چرخ در خم خام من است» (۱۶۵۵) (ف: سر چرخ گردون به دام من است؛ ۴۶ خط ۱۱)؛ بیت محلّ سخن هم می‌تواند به همین قیاس تصحیح شود: به کیوان برآرم سر خم خام.

(۸۰۴) مدد آمده بهر گودرزیان

که ناید به گودرزیان مر زیان

ف (۲۲ خط ۲۰): که ناید به گودرزیان بر زیان
با توجه به قاعده تاریخی دو حرف اضافه برای یک متمم^{۱۱}
(که در شاهنامه و منظومه‌های پیرو آن دیده می‌شود)^{۱۲} ضبط ف درست‌تر به نظر می‌رسد.

(۱۲۲۱) خرد نیست در مغز ایرانیان

به‌ویژه دلیران تیرانیان

ف (۳۴ خط ۱۴): به‌ویژه دلیران؟ (احتمالاً تیرانیان)

بهره‌دهی دلیران تیرانیان

آیدنلو در توضیحات بیت «تیرانیان» را واژه‌ای مبهم دانسته و گویا در سه نسخه او نیز «گودرزیان» (ضبطی که می‌تواند درست باشد) نیامده‌است (ص ۱۲۸۸). از ف نیز چیزی جز «تیرانیان» بر نمی‌آید. نگارنده می‌اندیشد این واژه یا جمع «تیرانی»^{۱۳} یعنی مردم تیران^{۱۴} (مجازاً گودرزیان) است یا احتمالاً مصحّف «بهرامیان»^{۱۵} (همان خاندان گودرز) است که با اشتباه یک کاتب به شکل موجود درآمده و کاتبان دیگر هم بر اساس آن، این اشتباه را تکرار کرده‌اند.

(۱۲۶۲) چه گویند مردان از این کارزار

که شد کار از این کودک خوار، زار

ف (۳۵ خط ۱۷): که شد کار از این کودک خورد (کذا) زار
ضبط ف به دلیل بهره‌گیری از صفت «خرد» به جای واژه توهین‌آمیز «خوار» برای کودک درست‌تر به نظر می‌رسد.

(۱۴۰۲) چگونه به من چاره‌سازی کنی؟

به بیغاره ما را تو بازی کنی

ف (۳۹ خط ۱۳): مانا که

معنای استفاد از ضبط ف این است که با چاره‌سازی و حيله‌گری علیه من بازی سرزنش‌برانگیزی را آغاز کرده‌ای. ضبط زبّین قبانامه به دلیل ناهماهنگی ضمائر «ما» و «من» و همچنین زاید بودن ضمیر «تو» درست نمی‌نماید.

(۱۷۲۱) ز سیصد من افزون یکی تیغ داشت

کزو تخم سر رو به میدان بکاشت

ف (۴۸ خط ۶): دور میدان

«رو به میدان» در این جا وجهی ندارد. ضبط ف هنری‌تر و پرمعناتر است.

(۲۰۲۱) بیفکنند و سرکنند او را به کوه

شدند آن دلیران همه زو ستوه

ف (۵۶ خط ۸): بیفکنند سرکننده

اگرچه به لحاظ معنایی هر دو درست است، اما ضبط ف (سرکننده افکنند) از ضبط زبّین قبانامه (افکنند و سپس سرش را کند) حماسی‌تر و درست‌تر به نظر می‌رسد.

(۲۱۰۷) تهمت برآمد به گلرنگ رخس

که از سُم رخس جهان شد درخس

ف (۵۸ خط ۱۴): دو بخش

«دو بخش کردن جهان» از حرکت رخس و برخاستن گرد و غبار از چپ و راست آن تصویری دارد که هرگز در «درخشان شدن جهان» وجود ندارد. نمونه دیگر: «جهان

۱۱. در قدیم اقسام دیگری از گروه‌های گسسته حرف اضافه بوده که یک حرف اضافه پیشین و یکی پسین می‌آمده است (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۴۵۰).

۱۲. «این قاعده تا قرن هفتم رواج داشته» (محبوب، ۱۳۴۵: ۴۶) و در شاهنامه بسیار دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه: ستاره به سر بر شگفتی نمود... (فردوسی، ۱۳۹۴: ۴۹/۳/۱).

۱۳. دوست فاضلم، جناب آقای دکتر حامد مهردادفرد، در این مورد بنده را راهنمایی فرمودند.

۱۴. دهی از دهستان کرون در بخش نجف‌آباد اصفهان (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تیران») واقع در ۲۲ کیلومتری باختر نجف‌آباد، متصل به جاده شاهی نجف‌آباد - ازنا (رزما، ۱۳۳۲: ۵۲، ذیل «تیران»).

۱۵. استاد فاضل گران‌قدر، جناب آقای دکتر رضا غفوری، در این مورد بنده را راهنمایی فرمودند.

(۲۷۳۴) سراسیمه در قصر زر نامور
دلش پر ز خون بود بهر پدر

ف (۷۴ خط ۵): بهر خود خون و بهر پدر
ضبط زرّین‌قبانامه ناقص است. در این‌جا رستم، در
حالی که در پی زال گرفتارِ عفریتِ دیو است، خود نیز در
کوه قاف گرفتار می‌شود. بنابراین ضبط ف صحیح‌تر به
نظر می‌رسد.

(۳۲۹۰) برآورد در دم دلاور سپر
بزد سنگ را بر سر دیونر

ف (۸۸ خط ۷): بزد بر سپر سنگ را دیونر
ضبط زرّین‌قبانامه نادرست است، زیرا سنگ در دست
غرنگانِ دیو است نه فرامرز.

(۳۴۸۰) مشو ایمن از چرخ ناپایدار
گهی برکنار است گه برکنار

ف (۹۲ خط ۲۰): که گه برکنار است گه در کنار
در زرّین‌قبانامه هر دو «برکنار» ثبت شده، اما در
توضیحات بیت آمده‌است: «گاهی در کنار (آغوش) انسان
است و گاهی برکنار (دور) از او» (ص ۱۳۰). توضیحات
مصحّح حاکی از این است که مورد اول می‌بایست «در
کنار» باشد، اما در ف برعکس است.

(۴۲۸۰) که زار ای پریش بت مهرخا
سرافراز نام و شکر پاسخا

ف (۱۱۴ خط ۱): سرافراز مأم و شکرپاسخا
مصحّح در توضیحات بیت (ص ۱۳۰۷)، «مهرخا» را در هر
سه نسخه مبهم دانسته و حدس زده‌است که ناظم،
«مهرخا» را برای کسی به کار برده که سخنان مهرآمیز
می‌گوید. «مهرخا» (مه‌رُخ + الف ندا) ^{۱۶} باری دیگر نیز در
منظومه آمده‌است: همی کرد زاری که ای مهرخا/ سمن‌بر
نگارا شکرپاسخا (۶۲۰۸). در زرّین‌قبانامه آمدن «نام»
به‌جای «مأم»، وضعیت معنایی بیت را بغرنج کرده‌است.
ضبط ف ابهام بیت را به درستی روشن می‌کند. در این‌جا

۱۶. برای این برداشت از بیت مذکور همچنین نک. آیدنلو، ۱۳۹۳: ۲۵.
۱۷. اتونی صورت صحیح «مه‌رُخا» را حدس زده‌است (اتونی، ۱۴۰۰: ۶۹).

گشت از گرد‌رخشش درخش «(۱۱۱۳)؛ ف: دو بخش (۳۱
خط ۱۴). این مورد به واژه‌های نادر منظومه نیز راه یافته
(آیدنلو، ۱۳۹۲: ۲۷) ^{۱۶} که نمی‌تواند درست باشد.

(۲۲۱۵) دگر روز کین مهر زرّین‌چراغ
زمی کرد دلبر زرّین‌ایاغ

ف (۶۱ خط ۱۳): زمی کرد لبریز زرّین‌ایاغ
در مصراع دوم «زمی»، «زمی» ضبط شده که درست
نیست. علاوه بر آن، «لبریز» نیز «دلبر ز» ضبط شده و
در توضیحات بیت نیز «زرّین‌ایاغ» استعاره از خورشید
(ص ۱۲۹۴) گرفته شده که درست به نظر نمی‌رسد. با
توجه به «مهر زرّین‌چراغ» (خورشید)، «زرّین‌ایاغ» باید
استعاره از جام آسمان باشد که با پرتوهای سرخ خورشید
پر می‌شود.

(۲۴۷۴) دگر زور کردند تا وقت شام
برآمد چه خورشید گیتی به بام

(۲۴۷۵) جهان را برفروخت بار دگر
ز نورش جهان یافت [چون] کام و گر

ف (۶۹ خط ۱): وقت روز، گیتی فروز، کار دگر
با توجه به بیت پیشین که «تا به شب...» جنگیدند و سر
هیچ یک به دندان گاز نیامد، تا سحر نیز جنگیده‌اند.
بنابراین ضبط «شام» و «به بام» درست نیست. ضبط م و
م نیز پشتیبان ف است و در ضبط هر سه نسخه، مضمون
ابیات «در حال روز شدن» است نه شب. بر این اساس
ضبط ف از نظر موسیقی، ردیف، قافیه و معنا برتری
چشم‌گیری نسبت به زرّین‌قبانامه دارد.

(۲۵۷۴) بدی‌های تودست [و] پایت گرفت
بدین‌گونه‌ای او خدایت گرفت

ف (۷۱ خط ۱۷): بدی‌های تودست و پایت گرفت
بدین‌گونه آخر خدایت گرفت
مصراع دوم زرّین‌قبانامه معنای درستی ندارد و صورت
صحیح آن است که در ف مضبوط است. علاوه بر این،
واو مصراع نخست که در چنگک آمده‌است نیز در متن
ف هست.

«عفریت»، وقتی به بالینِ مادرِ مُرده و افکندهٔ خویش می‌رسد، می‌گوید: «ای بتِ پریشِ ماه‌رخ و ای مادرِ سرافراز و شکرپاسخم...».

(۴۳۰۰) یکی اهرمن بود بس‌پیل نام
نشسته بر او دیو بی رای و کام

ف (۱۱۴ خط ۱۱): یکی دیو بد اهرمن‌پیل نام

نشسته بر دیو بی‌رای و کام

آیدنلو در فهرست نام کسان «بس‌پیل» را آورده (ص ۱۳۶۰) و ارزشنگی بر اساس «نشستن دیو بر وی» و «ارائه نشدن توضیحات شاعر برای آن» این نام را نام یک مَرگَب دانسته و بر این باور است که یک نام خاص نیست (ارزشنگی، ۱۳۹۷: ۱۱۵). ترتیب قرار گرفتن کلماتِ بیت و وجود نداشتن «او» در مصراع دوم، در ضبط ف، مدّعی آیدنلو را تأیید و نظر ارزشنگی را رد می‌کند؛ با این حال اختلافی در نام ایجاد می‌شود، زیرا ف نام «اهرمن‌پیل» را ضبط کرده که ۱م نیز آن را تأیید می‌کند.

(۵۳۰۷) یکی باره‌زیرش چه‌بادشمال
که پیشش تکی بود دشتِ خیال

ف (۱۳۳ خط ۱): که پیشش یکی بود دشت و خیال

مصحّح منظومه در توضیحات بیت آورده‌است: «دشت خیال را در یک تک درمی‌نوردید» (ص ۱۳۱۳). با توجه به ضبط ف، احتمالاً منظور شاعر این است که اسبی بود که دشت واقعی و خیالی برایش یکی بود، یعنی همان‌طور که دشت خیال را با راحتی و سرعت می‌توان پیمود، دشت واقعی را هم با همان راحتی و سرعت می‌پیمود. احتمال دیگر آن است که صورت اصلی «دشت و جبال» بوده‌باشد و مراد آن‌که آن اسب کوه را همان‌قدر ساده درمی‌نوردید که دشت را.

(۶۰۷۱) چه یاقوت‌پوش آن‌چنان دید زود
پیاده شد از اسب مانند دود

ف (۱۵۳ خط ۱۴): پیاده شد از اسب جنگی گرو

در متن مورد بحث، تشبیه به «گرو»، پرندهٔ مارستیز در اساطیر هند^{۱۸} (حیدری و زندمقدم، ۱۳۹۱: ۸۸)، به‌عنوان مشبّه‌به سرعت، و به‌تعبیر آیدنلو (نه در این بیت که در موارد

دیگر) به‌معنای اژدها و استعاره از پهلوان (آیدنلو، ۱۳۹۲: ۳۱) آمده‌است. «گرو» یک نام خاص است که البته در فهرست نام کسان زرتین‌قبانامه نیامده‌است. ابیات دیگری نیز در ف حاوی نام «گرو» است که در چاپ آیدنلو به‌جای آن‌ها «به کردار دود» آمده‌است. برای مثال: «سوی قهرش آمد به کردار دود» (۶۳۸۳)، «سوی قهرش آمد به سان گرو» (۱۶۲ خط ۳). اما مواردی هم هست که در زرتین‌قبانامه «گرو» آمده‌است. برای مثال در بیت «که جنگی جهان‌بخش همچون گرو/ خروشید زد بر سر او عمود» (۶۳۹۴: قس. ۱۶۲ خط ۹) این نام حتماً می‌بایست نامی خاص باشد، زیرا منظور شاعر این است که «جهانبخش» مثل «گرو» می‌خروشد و می‌جنگد.

(۶۲۶۷) میان دو پایش عنان بسته کاف
گذشته ز پشت و رسیده به ناف

ف (۱۵۸ خط ۱۹): میان دو پایش عیان یک شکاف

آیدنلو ضبط نسخه‌ها را روشن ندانسته (ص ۱۳۱۵) و واژه «بسته» را از «ک» حدس زده و «عنان‌بسته‌کاف» را اندام پرموی دیو یا امتداد و کشیدگی آن دانسته‌است. احتمالاً صورت اصلی آن است که در ف آمده و معنی احتمالی بیت نیز به این ترتیب چنین است: امتدادِ شکافِ اندامِ زنانهٔ دیو از پشت تا نافِ وی ادامه داشت.

(۷۲۵۴) فرامرز آمد چو شیر دژم
ورا با ستون کرد در دم قلم

ف (۱۸۵ خط ۳): بزد کرد زرتین ستون را قلم

با توجه به «قلم کردن» (دو پاره کردن به یک ضرب؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «قلم») که برای ستون درست و برای هزبر بلا نادرست است، ضبط زرتین‌قبانامه درست نمی‌نماید.

(۸۲۳۹) شه مرز ایران بسی ناله داشت
ز ژاله به رخساره پرگاله ساخت

ف (۲۰۴ خط ۱۸): بر لاله کاشت

آیدنلو در توضیحات بیت «پرگاله» را وصله‌ای بر پارچه

۱۸. پرندهٔ مارستیز در اساطیر هند که در سام‌نامه جایش با دشمنش عوض شده و با تبدیل و انتقال نامش به ارقم دیو، اژدهای دشمن سیمرغ در اسطورهٔ ایرانی اطلاق شده‌است (حیدری و زندمقدم، ۱۳۹۱: ۹۲).

ضبط (که صرفاً با توجه به نسخه‌ی اساس برگزیده شده و ک هم از آن پشتیبانی نمی‌کند) معنای بیت «خورشید و درخشنده مانند خورشید» است که صحیح نیست. به‌گمان ضبط ف (که ۱م نیز از آن پشتیبانی می‌کند) درست‌تر و بامعنی‌تر است.

(۱۰۹۲۱) نباشد اگر نیروی دادگر
ندارد تنم پیشه‌ای را هنر

ف (۲۶۸ خط ۱۳): ندارد تنم نیم پشه هنر
ضبط ف را م و م ۱م نیز پشتیبانی می‌کنند. با توجه به ضبط سه نسخه و تکرار «نیم پشه» در بیت بعد (۱۰۹۲۲) و همچنین اغراق بیش‌تر (هنر نیم پشه)، ضبط ف درست‌تر است.

(۱۱۱۰۸) برون رفت از دست او چون سزد
یکی کله‌زنگی به رستم بزد

ضبط ف نیز همین است (۲۷۳ خط ۱۱). آیدنلو «کله‌زنگی» را، اگرچه در فرهنگ‌ها نیافته، در معنای یکی از فنون کشتی دانسته‌است (ص ۸۲، ۱۳۲۹). اما نگارنده می‌اندیشد که این دو واژه می‌بایست جدا از هم نوشته و خوانده شود؛ در این صورت معنا به این صورت است که: دیو زنگی (تیره‌تن، با توجه به بیت ۱۱۰۹۴) کله‌ای (ضربه‌ای با سر، نه فنّ خاصی در کشتی) به رستم زد.

(۱۱۱۵۹) بدی دور جست و نکویی نهشت
خنک آن که از سر بدی را بهشت

ف (۲۷۴ خط ۱۸): بدی دوزخ است و نکویی بهشت
مصراع نخست خالی از اشتباه نیست و علاوه بر ایراد قافیه معنای آن نیز نادرست است. ضبط دستنویس ف، گذشته از معنای صحیح، دارای قافیه با جناس مرگب و هنری‌تر است.

(۱۲۵۱۰) جهان‌دیده گودرز و گودرزبان
همه بهر بهرام زار و نوان

ف (۳۴۹ خط ۱۱): جهان‌دیده گودرزبان در زیان
با توجه به جناس «بهر» و «بهرام» در مصراع دوم، گمان می‌رود که ضبط ف نیز با هماهنگی کلمات «گودرزبان»
۱۹. درباره‌ی این بیت همچنین نک. آیدنلو، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۳.

و رخسار کبخسرو را مانند پارچه‌ای تفسیر کرده که قطرات اشک (ژاله) بر آن وصله و افزوده شده‌باشد (ص ۱۳۲۱). بیت مذکور با این کلمات قافیه‌هایی مغشوش و نادرست دارد. احتمالاً ضبط ف اصیل‌تر است و در این جا نیز «رخساره» متممی با دو حرف اضافه است. در این صورت معنا و قافیه‌ی بیت صحیح است.

(۹۵۷۷) پی آزمون گرز بگذاشتی
ز جاده مبارز نبرداشتی

ضبط ف نیز همین است (۲۳۶ خط ۱۵). مصحح در توضیحات بیت آورده‌است: «او برای امتحان زور و مردی دیگران گرز خود را بر زمین می‌گذاشت اما هیچ‌یک از جنگ‌جویان و یلان ناحیه‌ی جاده نمی‌توانست گرز بزرگ و سنگین او را از زمین بردارد» (ص ۱۳۲۵). به نظر می‌رسد در خوانش و گزارش بیت سهوی رفته‌است. «ز جاده مبارز نبرداشتی» به این معنی است که «ده مبارز توان برداشتن آن گرز را از زمین نداشت». احتمالاً وجود «جاده» در بیت «بیامد چنین تا بر جاده بار...» (۹۵۲۵) باعث شده‌است «جاده»، «جاده» خوانده و ضبط شود.

(۱۰۱۱۸) ز رخ آب بی‌دانشی بر مریز
مجو هیچ با دیو و جادو ستیز

(۱۰۳۷۲) نیاری تو با رستم آری ستیز
ز رخ آب بی‌دانشی را مریز

ف (۲۵۱ خط ۷، ۲۵۶ خط ۱): ز رخ آب بی‌دانشی را بریز
در هر دو مورد ضبط ف درست و ضبط‌های زرّین‌قبانامه هر دو نادرست است. در این جا سخن این است که تواز روی ناآگاهی خواهان جنگ با دیو (مورد اول) و رستم (مورد دوم) هستی، اما توانش را نداری؛ پس بهتر است ناآگاهی را از خود دور کنی و به ضعف خود، بی‌دانش نباشی.

(۱۰۷۶۵) درونش یکی دید ماهی دگر
مرا و درخشنده مانند خور

ف («ف» (۲۶۴ خط ۱۱): مرا و هم درخشنده
مصحح در مقدمه (ص ۸۰)، به‌نقل از دهخدا و نفیسی، واژه «مرا» را در معنای خورشید آورده‌است.^{۱۹} بر اساس این

و «در زیان» صحیح‌تر از زرتین‌قبانامه به نظر می‌رسد.

(۱۲۸۷۹) تو نیز آتش کینه افروختی
مر این شیوه زین‌سان بیاموختی

ف (۳۵۹ خط ۱۱): زایشان
با توجه به ابیات پیشین و رفتار دو گرد نقابی، گوینده به
نقاب‌افکن می‌گوید: تو این شیوه را از ایشان آموختی؛ پس
ضبط زرتین‌قبانامه درست نیست.

(۱۳۰۴۷) برآورد نهصد منی دهره را
که از وی بدرد دل زهره را

ف (۳۶۴ خط ۸): دل و زهره
«دل زهره» در این جا وجهی ندارد. ضبط ف (که م نیز آن را
پشتیبانی می‌کند) درست‌تر است.^{۲۰}

(۱۳۲۶۷) فرامرز و رستم چه زین‌سان شنید
شگفتی فروماند و لب را گزید

ف (۳۷۰ خط ۱۳): فرامرز رستم
با توجه به فحوای کلام و همچنین افعال مفرد بیت، فاعل
جمله «فرامرز رستم» است.

(۱۳۵۱۵) بگفتا همانا که از بهر من
چنین اشک بارد بت سیم‌تن
(۱۳۵۱۶) یلی همچومن شهریاری کجاست؟
چو من نامور تاجداری کجاست؟

ف (۳۷۷ خط ۱۱): بلی
با توجه به بیت پیشین (که باید پرسشی خوانده‌شود)، «من» در
این بیت «زادشم» و «بت سیم‌تن»، «قمرطلعت» است.
«بلی» پاسخی صحیح برای پرسش بیت پیش و «یلی»
نادرست است.

(۱۳۶۵۲) بریند دو روز هامون و کوه
شه و لشکری گشته از وی ستوه

ف (۳۸۱ خط ۸): گشته جمله ستوه
ضبط «از وی» احتمالاً نادرست است، زیرا «گور» (مرجع
ضمیر «وی» در زرتین‌قبانامه) برای شاه و لشکر نویدبخش
است نه ستوه‌آور.

(۱۶۸۸۹) که نه نام دارد به گیتی نه باب
ز بهر زر و سیم دارد شتاب

ف (۳۸۶ خط ۸): که نه نام داند به گیتی نه باب
معنی ف به این صورت است که تاجر مذکور فقط فکر
زروسیم است و پدر و مادر خود را هم نمی‌شناسد. در
زرتین‌قبانامه «نام داشتن» ناهمانگ با «باب» است و
وجهی ندارد.

(۱۷۰۹۶) سپه جمله گردید با خاک پست
شکسته سر و پیکر و جمله دست

ف (۳۹۱ خط ۱۸): سر و پیکر و پا و دست
به دلیل هماهنگی کلمات (پا و دست) در ف و وجود
«جمله» برای دو دست در ضبط زرتین‌قبانامه، ضبط ف
درست به نظر می‌رسد.

(۱۸۲۵۱) به یونس که در بطن ماهی بماند
در آن جا به جز ذکر توبه نخواند

ف (۴۲۲ خط ۱۱): ذکر تو برنخواند
«ذکر توبه» اگرچه با تسامح می‌تواند درست باشد، اما
ضبط ف هم از نظر معنی و هم از نظر موسیقی بر آن
برتری دارد.

(۱۸۵۷۳) از آن بسته‌ام من به کینه کمر
که آرم روانت به مردی به سر

ف (۴۳۱ خط ۶): که آرم زمانت...
«زمان به سر آوردن»، در معنای مرگ، از «روان به سر
آوردن» بهتر است.

(۱۸۶۵۱) همانا بترسید از گرز من
ز نیروی یازوی این برز من

ف (۴۳۳ خط ۱۰): ز نیروی بازو و از برز من

۲۰. اتونی نیز «دل و زهره» را پیشنهاد کرده‌است (اتونی، ۱۴۰۰: ۶۴).
۲۱. در مقایسه انجام‌شده معلوم شد در ف مقداری افتادگی هست که بیش‌ترین
آن پس از بیت «مپرس و بخور باده و شاد باش/ ز غم خوردن دهر آزاد باش»
(۳۸۲ خط ۲۰، معادل ۱۳۷۱۵) است که چندین برگ افتادگی وجود دارد. در
آغاز برگ بعد بیت «که رویش ز خورشید روشن تر است/ خور و ماه پیشش
کمین چاکر است» آمده (۳۸۳ خط ۱، معادل ۱۶۷۵۶) که نشان از افتادگی
۳۰۴۰ بیت (حدود ۷۶ برگ) دارد. از این رو نویسنده مقاله حاضر در این
بخش اظهار نظری نکرده‌است.

(۲۰۹۳۲) ندیدند از آن پلنگ آگهی
تو گفתי که شد دشت از وی تهی

ف (۴۹۷ خط ۱۵): نریلنگ

در ضبط آیدنلو صفت «نر» نیست و در وزن بیت نیز خللی ایجاد نشده است. با توجه به ف و وجود ترکیب «نر پلنگ» در ۲۰۹۳۵ و ۲۰۹۸۷، احتمالاً این صفت می‌بایست در بیت حاضر هم می‌آمد.

(۲۱۲۴۷) چه گشتند یک میل ره، ره‌سپر
مرآن باغ آمد ورا در نظر

ف (۵۰۳ خط ۱۸): مران باغشان آمد اندر نظر

در ضبط زرّین‌قبانامه مطابقتی بین فاعل و ضمیر وجود ندارد. با توجه به فحوای کلام و فاعل مصراع نخست، فعل مصراع دوم نمی‌تواند درست باشد.

(۲۱۲۶۶) دلیران مران خواسته هرچه بود
در آن باغ بردند در پیش رود

ف (۵۰۴ خط ۷): از پیش رود

ضبط م و م نیز «از» است. گویا در این جا «باغ» و «پیش رود» یک مکان دانسته شده است، در صورتی که با توجه به ابیات پیشین (برای نمونه: سپه را بمان اندر این پیش رود/ ولیکن نباید که در شب غنود (۲۱۲۶۳)) این‌ها دو مکان مختلف است. در این جای داستان قرار بر این می‌شود که سپاه در «پیش رود» بماند، اما «سمن‌خان» و آن «خواسته» به باغ منتقل شوند تا از هجوم «تمور» محفوظ بمانند.

(۲۱۵۳۰) برفتند پویان سوی کوه و دشت
که بینند آن باغ و ایوان و کشت

ضبط ف (۵۱۱ خط ۱۲) مثل زرّین‌قبانامه «کشت» است (بدون سرکج گاف که در هیچ جای متن دیده نمی‌شود). به گمان نگارنده این واژه باید «گشت» (تفرّج‌گاه) باشد، تا هم مشکل قافیۀ بیت حل شود و هم هماهنگی با «باغ و ایوان» ایجاد شود.

۲۲. ارژنگی با اضافه کردن «واو» پس از بازو مصراع را کامل می‌داند (ارژنگی، ۱۳۹۷: ۱۲۰) که درست نیست.

[احتمال دیگر آن است که در صورت مضبوط در متن تصحیح شده جابه‌جایی رخ داده‌باشد و صورت اصلی مصراع چنین بوده‌باشد: ز نیروی این بازوی برز من. ویراستار]

به لحاظ منطقی ضبط ف درست‌تر است، اگرچه «از» هم در ف زاید به نظر می‌رسد.

(۱۹۲۰۹) دو پردل به کشتی درآویختند
همی خاک بر چشم هم ریختند

ف (۴۴۸ خط ۱۴): چشم مه

با توجه به جنگ شبانه و بیت «چنین تا دگر باره این تُرکِ روز/ برافروخت رخسار گیتی فروز» (۱۹۲۱۲)، ضبط ف صحیح است.

(۱۹۴۰۳) بری گشته از من بریشد ورا
خدای جهان می‌نداندمرا

ف (۴۵۴ خط ۳): بریشد مرا

به نظر می‌رسد «ورا» در ضبط زرّین‌قبانامه نادرست باشد. مصحح «بریشیدن» را به معنای «انس گرفتن» گرفته (ص ۱۳۵۲) و در مقدمه نیز آمده که یکی از معانی «بریشیدن» «آمیختن» و احتمالاً «انس و الفت گرفتن» (ص ۷۴-۷۵) است و معنای بیت نیز باید «از من بیزار شده و با او درآمیخته و انس گرفته» باشد (همان؛ آیدنلو، ۱۳۹۲: ب: ۲۸). اما با توجه به فحوای کلام و توجه به ردیف «مرا»، این واژه می‌بایست معنایی منفی (چیزی شبیه پریشان کردن) داشته‌باشد: بری گشته از من پریشد مرا.

(۱۹۸۶۸) ندیدند از برف کوه و دره
جهان بود از برف و یخ یکسره

ف (۴۶۶ خط ۱۸): بدیدند پر برف، پر برف

هر دو ضبط می‌تواند درست باشد. ضبط م و م و ف هر سه «بدیدند» است و به لحاظ منطقی «ندیدن دره» از برف شاید میسر باشد، اما ندیدن کوه احتمالاً میسر نیست.

(۱۹۸۸۷) مر این کار افسون کاهن بود
که افسونگر و زشت و پرفن بود

ف (۴۶۷ خط ۱۰): سمرات

با توجه به وجود صفت تکراری «افسون‌گری» در مصراع دوم و نیاز به وجود نام کاهن، ضبط زرّین‌قبانامه احتمالاً درست نیست.

(۲۱۵۴۰) درختان بدینند زنجیروار
روان گشته آب از بر کوهسار

ف (۵۱۱ خط ۱۶): انجیر و نار
با توجه به بیت «به هر روز دو نار و انجیر چار/ فرستد
مرا ایزد کردگار» (۲۱۵۸۳)، ضبط ف درست است.

(۲۱۷۲۴) بدانست کوراست گوید همی
سوی دادی کج نیباید همی

ف (۵۱۶ خط ۱۸): وادی کج
«دادی» در این بیت نادرست ثبت شده است و به جای آن
باید «وادی کج» باشد. همچنین «دادی» بدخویی»
(۱۹۵۲۴) در ف به صورت «وادی بدخویی» (۴۵۷ خط ۱۰)،
و «داوری کژ» (۱۸۷۴۷) به صورت «وادی کج» (۴۳۶ خط
۱) آمده است. «دادی و داوری» (۱۸۴۵۸) نیز که آیدنلو آن
را در معنی «داد و بیداد» و «همه چیز» گرفته است
(ص ۱۳۵) درست نمی‌نماید و ضبط ف «وادی داوری»
(۴۲۸ خط ۳) است. در زرتشتیانامه تنها یک جا «وادی
داد» (۱۴۰۰۸) آمده است. چند بیت بعد دوباره «دادی
ایزدی» (۱۴۰۱۷) دیده می‌شود. بهتر است در این موارد
«وادی» جای «دادی» را بگیرد.

(۲۱۷۹۸) کنی دل ز دنیای ناپایدار
که مهتر نماید دهد زهر مار

ف (۵۱۸ خط ۱۸): شهدت
البته که هر دو ضبط درست است (ضبط نسخه‌بدل‌ها در
این‌جا نیامده است) اما ضبط ف به دلیل هماهنگی و تضاد
«شهد» و «زهر»، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

(۲۱۹۰۸) بیامد بر پیر و لوحیش داد
ز فولاد بُد لوح آن پیر زاد

ف (۵۲۲ خط ۳): برش پیر و
در این‌جا «برهان عابد» (پیر) لوح را به «رستم» می‌دهد نه
بالعکس؛ پس ضبط زرتشتیانامه درست نیست.

(۲۱۹۹۴) به دستش یکی تیغ زهرآبدار
سوی رستم آمد که ای نامدار

ف (۵۲۴ خط ۱۱): نابکار

با توجه به تهدید رستم و حمله کردن به او، ضبط
زرتشتیانامه درست نیست.

(۲۲۲۶۶) شده خانه از عکس او سبز رنگ
زدودی ز دل سبزی رنگ رنگ

ف (۵۳۲ خط ۸): رنگ زنگ
مصراع دوم زرتشتیانامه هم به لحاظ معنایی و هم به لحاظ
قافیه نادرست است. با توجه به ضبط ف معنای مصراع به
این صورت است که رنگ سبز زنگار را از دل زدود.

(۲۲۲۹۵) چه پرداخت از آفرین خدای
بیامد دگر باره خان از سمای

ف (۵۳۳ خط ۴): خوان
«خان» به معنی خانه و منزل است، اما «خوان» سفره و
طبق چوبینی است که ظرف‌های غذا را بر آن نهند (محبوب،
۱۳۷۱: ۱۳۱). در این‌جا «خان» نمی‌تواند درست باشد.

(۲۲۵۱۳) که ناگاه از پشت آن پهلوان
بیامد برش زادش در زمان

ف (۵۳۹ خط ۱): در نهان
با توجه به ناگهانی و نهانی بودن ورود زادش (و با توجه به
اشاره «نهانی بودن» در بیت ۲۲۵۲۰) ضبط ف صحیح‌تر است.

(۲۳۰۰۲) چه شهزاده بُد شاه او را بخواست
زبردست گردان مر او را نشاخت

ف (۵۵۳ خط ۱۱): چه شهزاده بُد شاه او را شناخت
زبرتر ز گردان مر او را نشاخت
ضبط «بخواست» علاوه بر ایراد قافیه، معنای روشنی هم
ندارد. «زبرتر» در م، م و ف آمده و بر ضبط زرتشتیانامه
ارجح است.

(۱۶۶۶۴) بدو ترجمان گفت برگو سخن
سخن هر چه داری در این انجمن

ف (۵۵۵ خط ۴): بدو ترجمان گفت برگو به من
سخن هر چه داری از این انجمن
در ضبط زرتشتیانامه قطعاً «سخن» در مصراع نخست

۲۳. آیدنلو ضبط هر سه نسخه را «دادی» ذکر کرده است.

در ف (۹ خط ۱۲، ۱۳) برعکس است.

(۳۷۷) به فرمان او دیو و جن سی‌هزار که بازند آتش به هر کارزار

ف (۱۱ خط ۴): به فرمان من دیو و جن صد هزار در این بخش از داستان کلالِ پری برای بیژن رجز خوانی می‌کند و در باب «فرمانِ خود» می‌گوید نه «او».

۲. مختصری از تفاوت ضبط‌های زرّین‌قبانامه با دست‌نویس نویافته «ف» در قالب جدول

به‌علت فراوانی تفاوت‌ها و برای پرهیز از اطالۀ کلام، در جدول زیر موارد اندکی از انبوه مثال‌ها با ذکر نشانی آورده شده‌است. بدیهی است که پژوهشگران و مصححان احتمالی متن در پژوهش‌ها و احتمالاً تصحیح‌های خویش می‌بایست دست‌نویس مهم ف را به‌دقت مورد بررسی قرار دهند و همه تفاوت‌ها را در آن نسخه مشاهده و ثبت کنند.

زاید و نادرست است و «در» نیز جایگزین مناسبی برای «از» نیست.

۱.۱. بعضی موارد که در روند داستان اخلال پیش می‌آورد برخی تفاوت ضبط‌ها به نحوی است که می‌تواند در روند داستان اخلال ایجاد کند. به‌عنوان نمونه در موارد زیر جابه‌جایی «میسره» و «میمنه» (سمت چپ و راست لشکر)، تغییر اعداد (که در ف و زرّین‌قبانامه در اغلب موارد با هم متفاوتند) و تغییر افعال، اگرچه در برخی موارد ضبط نسخه‌بدل‌ها نیز نیامده و محتمل است اشتباه کاتب ف باشد. اما موارد این‌چنینی اگر سهواً در کار تصحیح رخ داده‌باشد می‌تواند روند داستان را تغییر دهد.

(۳۱۷) ابر میمنه رفت افلاک دیو
ابا سی‌هزار از دد پرفریب
(۳۱۹) ابر میسره رفت پر داوری
شهنشاه ترخان شاه‌پری

ضبط ف	ضبط زرّین‌قبانامه	ضبط ف	ضبط زرّین‌قبانامه
آبنوس (۷ خط ۸)	سندروس (۲۳۴)	بیژن (۳ خط ۱۶)	جست شیران (۱۰۳)
گرزش (۱۰ خط ۱)	کرگش (۳۳۲)	شاه (۸ خط ۱۲)	گاه (۲۷۷)
ببین (۱۴ خط ۱۵)	همین چند تن (۵۰۹)	به میدان بدی شیر گندآوری (۱۰ خط ۱۷)	به میدان کند شیر آوری (?) (۳۶۵)
سامند (۱۹ خط ۸)	تخم شاهند (۶۸۲)	به نیرو (۱۷ خط ۱۷)	پیمبر (۶۲۵)
که و مه (۲۴ خط ۶)	که ده ده (۸۳۶)	گیو (۲۱ خط ۲۰)	دیو (۷۷۷)
به بالای او (۲۶ خط ۱)	به زمزم همی (۹۰۶)	کریمان (۲۵ خط ۶)	نریمان (۸۷۸)
سر امر (۲۸ خط ۶)	سر و عمر (۹۸۶)	برگو بدان (۲۶ خط ۲)	برگوید آن (۹۰۸)
ما (۳۰ خط ۱۶)	با (۱۰۸۱)	پروور مر (۲۹ خط ۱۷)	پرووردم او را (۱۰۴۵)
درد و انده (۳۰ خط ۱۶)	درد آن دد (۱۰۸۰)	کین جسته (۳۱ خط ۶)	دل خسته (۱۰۹۸)
گروگان (۳۱ خط ۱۱)	به پیمان (۱۱۰۸)	که چونی (۳۱ خط ۱۷)	چه جویی (۱۱۱۹)
بسایم (۳۱ خط ۱۸)	که او را بسازم (۱۱۲۱)	گور (۳۲ خط ۱۱)	بلرزید در کوه (۱۱۴۵)
همه دل پر ... و لب پر (۱۱۴۸) همه سر پر ... و دل پر ... (۳۲ خط ۱۳)	همه میدان (۱۲۹۷، ۱۱۴۹)	که سازند بر جان هم کار زار (۳۲ خط ۱۳)	که از یکدگرشان برآند دمار (۱۱۴۹)
همیدون (۳۳ خط ۱۸، ۳۶ خط ۱۵)	آواز او ساز کرد (۱۲۷۲)	بزد بر سر (۳۵ خط ۷)	برابر سر (۱۲۴۵)
آورد او ساز داد (۳۶ خط ۳)	ببند (۱۴۱۴)	گر این (۳۶ خط ۸)	که او (۱۲۸۳)
ما بند (۳۹ خط ۱۹)		بهر روز (۴۰ خط ۱۳)	نور روز (۱۴۴۰)

ضبط ف	ضبط زرین‌قبانامه	ضبط ف	ضبط زرین‌قبانامه
توانا و بر داور داوران (۱۵۲۹)	توانا و دانا ابر داوران (۴۳ خط ۳)	هوا (۴۵ خط ۵)	توگفتی همه (۱۶۰۹)
مردی ز مغرب (۱۵۵۲)	به (۴۳ خط ۱۴)	پشت (۴۵ خط ۱۵)	کتف راست (۱۶۲۶)
خط عنبرفشان (۱۶۳۳)	سبزه‌نشان (۴۵ خط ۱۹)	ز گفتش (۴۷ خط ۱)	ز گفتن (۱۶۷۶)
دشت کای (۱۶۸۳)	کین (۴۷ خط ۵)	جوان (۴۷ خط ۱۲)	مهان (۱۶۹۵)
بکوشیم ما هم (۱۷۰۷)	با (۴۷ خط ۱۸)	نتازد (۴۷ خط ۱۸)	نسازد (۱۷۰۸)
چه دیدی (۱۷۱۱)	بینی (۴۸ خط ۱)	گرزش، ندیدم (۴۹ خط ۱۰)	گردش، ندیده (۱۷۶۶)
هزیر دمان (۱۷۷۰)	نهنگ (۴۹ خط ۱۲)	همه (۴۹ خط ۱۲)	همان نام من (۱۷۷۱)
هنگام مردی (۱۷۸۳)	کینه (۴۹ خط ۱۷)	کشیلندش چون موزه زر ز پای (۵۰ خط ۴)	کشیلند چون موزه از زیر پای (۱۷۹۴)
دشت (۱۷۹۷)	مرز (۵۰ خط ۵)	چه این (۵۰ خط ۷)	چنین (۱۸۰۱)
پهلو گو رسید (۱۸۱۱)	پهلو نور رسید (۵۰ خط ۱۲)	برخواست زان (۵۰ خط ۱۵)	برگشت از آن (۱۸۱۶)
پیش آورید (۱۸۵۰)	پیشش دوید (۵۱ خط ۱۳)	گرد (۵۱ خط ۱۶)	مرد (۱۸۵۶)
نگیرد (۱۸۵۷)	بگیرد (۵۱ خط ۱۷)	نمانم (۵۳ خط ۵)	نماند (۱۹۰۵)
شهی (۱۹۱۲)	مهی (۵۳ خط ۹)	بسی (۵۳ خط ۱۴)	تنی زرد (۱۹۲۲)
چه قیر (۱۹۲۳)	دلیر (۵۳ خط ۱۴)	دیو نر (۵۳ خط ۱۵)	دیو سر (۱۹۲۴)
هم و اندیشه (۱۹۳۱)	بیم و اندیشه (۵۳ خط ۱۸)	بوی (۵۴ خط ۱۶)	تویی (۱۹۶۸)
بهر (۱۹۴۴)	پیش (۵۴ خط ۴)	مهان (۵۶ خط ۱)	جهان (۲۰۰۸)
هر سو صدای (۲۰۱۰)	برسوی آن گو (۵۶ خط ۲)	چیر (۵۶ خط ۱۸)	خیر (۲۰۳۹)
همه گرم در رزم (۲۰۸۵)	همه سر پر از (۵۸ خط ۲)	کارزار (۵۹ خط ۶)	روزگار (۲۱۲۹)
دگر، هم (۲۱۴۲)	گران، هر (۵۹ خط ۱۳)	بروی (۶۱ خط ۱)	بر او (۲۱۹۲)
کار (۲۱۹۴)	دهر (۶۱ خط ۲)	ان دد و شد (۶۱ خط ۶)	ربود و شد آن دم (۲۲۰۲)
خروشید (۲۲۲۱)	بجوشید (۶۱ خط ۱۶)	شگفتی بماندند (۶۱ خط ۱۷)	هراسنده گشتند (۲۲۲۳)
نه شیر و نه شیر و نه نهنگ (۲۲۳۴)	نه شیر و نه اژدر نه ببر (۶۲ خط ۴)	رزم (۶۲ خط ۵)	جنگ (۲۲۳۶)
انجمن (۲۲۳۹)	اهرم (۶۲ خط ۷)	نمانم (۶۲ خط ۸)	نمایم (۲۲۴۲)
همه کار (۲۲۵۰)	که تا کار (۶۲ خط ۱۲)	گریزنده (۶۳ خط ۱۱)	که بردند (۲۲۸۲)
جان (۲۳۱۳)	چون (۶۴ خط ۱۰)	آن جهانجوی (۶۵ خط ۷)	آن دلاور هم (۲۳۴۴)
جانم (۲۳۵۶)	بدخو (۶۵ خط ۱۳)	ابروی (۶۶ خط ۴)	آن روی (۲۳۷۲)
من (۲۴۰۹)	ما (۶۷ خط ۴)	افکنده چین بر جبین (۶۷ خط ۵)	در ابرو افکنده چین (۲۴۱۰)
داری (۲۴۱۲)	اری (۶۷ خط ۶)	زو نوان (۶۷ خط ۱۰)	ناتوان (۲۴۲۰)

ضبط ف	ضبط زرین‌قبانامه	ضبط ف	ضبط زرین‌قبانامه
پیایی بران (۶۸ خط ۸)	ز ابر کمان (۲۴۵۰)	گشتم (۶۹ خط ۷)	گشتی (۲۱۳۰)
بر او بر... آفرین خوان شده (۲۵۱۵) به ره بر... آفرین خوانده شد (۷۰ خط ۳)		کارشان (۷۰ خط ۱۶)	کامشان (۲۵۴۰)
زین (۷۵ خط ۱۲)	زی کارزار (۲۷۷۸)	فره بخت (۸۱ خط ۹)	فرّ با بخت (۳۰۱۴)
ده گاو میش (۸۱ خط ۱۴)	از گاو میش (۳۰۲۳)	ز من (۸۲ خط ۱)	زمین لرزه گیرد (۳۰۳۸)
حکم برکردگار (۹۰ خط ۱۹)	حکم پروردگار (۳۳۹۶)	بر (۹۳ خط ۱۸)	رخ (۳۵۱۵)
همایون (۹۴ خط ۱۰)	نمایان (۳۵۳۹)	بر زین و گاه (۹۵ خط ۱۴)	به زرینه‌گاه (۳۵۸۲)
گنج (۹۷ خط ۶)	درج (۳۶۴۳)	موبدان (۹۷ خط ۸)	بخردان (۳۶۴۸)
سالار گو (۱۰۰ خط ۱۷)	سالار نو (۳۷۸۰)	برون شو دمان (۱۰۸ خط ۱۱)	برو شادمان (۴۰۷۹)
نار (۱۰۸ خط ۱۴)	دریای تار (۴۰۸۴)	دوزخ مکان (۱۳۸ خط ۱۴)	ابلیس جنت مکان (۵۵۲۲)
براقیس ^{۲۴} (۱۴۸ خط ۱۲)	انکوس جادو (۵۸۷۶)	زینت (۱۸۶ خط ۴)	به ریبت فریبید (۷۲۹۳)
پیرایه هر مهی (۲۱۲ خط ۷)	پیرایه فرهی (۸۵۰۹)	کینش (۲۴۱ خط ۵)	گفتش از یاد شد (۹۷۳۶)
در وی زمین (۲۴۲ خط ۲۰)	روی زمین (۹۸۰۴)	به گوش (۲۴۴ خط ۳)	به گفتش (۹۸۴۶)
ببیند مرا (۲۵۷ خط ۱۸) ^{۲۵}	ببینم ورا (۱۰۴۴۲)	هم (۲۷۱ خط ۲۱)	شما را (۱۱۰۵۰)
تاجدار، سوی (۲۷۴ خط ۱۴)	پروردگار، در آن (۱۱۱۵۱)	بنشانند (۲۷۶ خط ۴)	بنهاد شاد (۱۱۲۰۶)
دو (۲۷۹ خط ۱۵)	تو (۱۱۳۳۵)	گرز (۲۸۳ خط ۲)	گرده قوی (۱۱۴۶۱)
رمحم (۲۸۹ خط ۱)	رزمم (۱۱۶۷۳)	تیره (۳۵۲ خط ۷)	زیر چاه (۱۲۶۱۱)
بد روز (۳۵۴ خط ۱۰)	به روز (۱۲۶۹۱)	بر ان (۳۵۵ خط ۲۰)	اندر درخت (۱۲۷۴۷)
بدیدی (۳۶۳ خط ۱۶)	ندیدی (۱۳۰۲۷)	جا ساختش (۳۷۱ خط ۱)	بنشانندش (۱۳۲۷۹)
به خوبی چو (۳۷۵ خط ۷)	بجویی چه (۱۳۴۳۸)	به زار (۴۰۲ خط ۱)	هزار (۱۷۴۷۶)
یاره (۴۲۸ خط ۸)	باره (۱۸۴۶۷)	یاره (۲۶۵ خط ۷)	باره (۱۰۷۹۳)
ز (۴۴۶ خط ۱۶)	به (۱۹۱۳۸)	ناکامران (۴۵۴ خط ۱۵)	ناکاردان (۱۹۴۲۶)
کمند (۴۸۵ خط ۶)	فکند (۲۰۵۷۳)	تابدآر (۴۸۳ خط ۶)	تاجدار (۲۰۴۶۲)
ره (۵۰۳ خط ۱۸)	ده (۲۱۲۰۹)	بر (۴۹۹ خط ۱۰)	در (۲۱۰۸۷)
داور (۵۱۸ خط ۱۰)	دادا خدا (۲۱۷۸۵)	باغ (۵۱۵ خط ۷)	مرغ (۲۱۶۶۵)
که سوی زحل شو همان اسم	که شو سوی کیوان به در بر	نکو اسم (۵۲۴ خط ۹)	گو آن اسم (۲۱۹۹۱)
خوان (۵۳۳ خط ۱۹)	ممان (۲۲۳۲۳)		

۲۴. اتونی نیز این اشکال را دریافته و بر همین اساس مصراع را به درستی تصحیح قیاسی کرده است (نک. اتونی، ۱۴۰۰: ۶۲).

۲۵. دل او (رستم) برای من تنگ است، نه من برای او.

ضبط ف	ضبط زرّین‌قبانامه	ضبط ف	ضبط زرّین‌قبانامه
ننگ (۵۴۱ خط ۵)	سنگ (۲۲۵۹۴)	پشت (۵۳۸ خط ۶)	پیش (۲۲۴۸۲)
نخجیر در (۵۴۲ خط ۱۵)	خنجر گه (۲۲۶۵۲)	بجستی (۵۴۲ خط ۱۴)	نجستی (۲۲۶۴۹)
ان (کذا) (۵۵۲ خط ۱۵)	او سر (۲۲۹۷۲)	کارزار (۵۵۰ خط ۲)	روز کار (۲۲۸۷۴)

- س ۵۸، ش ۲ (پیاپی ۵۰، تابستان): ۷۴-۵۳.
- ارژنگی، کامران (۱۳۹۷). «چو زرّین‌قبایش بخوانی رواست؟». نقد کتاب ادبیات و هنر، س ۱، ش ۳ و ۴ (پاییز و زمستان): ۱۱۱-۱۲۴.
- اسدی طوسی (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. به‌اهتمام حبیب یغمایی. تهران: کتابخانه طهوری.
- زرّین‌قبانامه (۱۳۹۳). از سراینده‌ای ناشناس. مقدمه، تصحیح و تعلیقات سجّاد آیدنلو. تهران: سخن.
- زرّین‌قبانامه یا شاهنامه‌اسدی. نسخه خطی. کتابت ۱ رمضان ۱۲۷۳ ق، کاتب: فتح‌علی کرمانی مشهور به زرندی. موزه شخصی عباس فرهادی‌مقدم، همدان.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۳). درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی. تهران: ناهید.
- حیدری، حسن و ساسان زندمقدم (۱۳۹۱). «گروود (گرودا) (نماد انتقال و تبدیل اساطیر هند در سام‌نامه)». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، س ۶، ش ۱ (پیاپی ۲۱، بهار): ۸۳-۹۴.
- دمشقی خیابانی، بهمن (۱۳۹۵). «زرّین‌قبانامه». در: دانشنامه فرهنگ مردم ایران. ج ۴. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، صص ۷۲۶-۷۲۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۳۲). فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها). ج ۱۰. تهران: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- سلطانی‌گردفرامرزی، علی (۱۳۷۲). سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران. تهران: مبتکران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). شاهنامه. پیرایش جلال خالقی مطلق. ج ۴. چ ۱. تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴). دستور مفصل امروز. تهران: سخن.

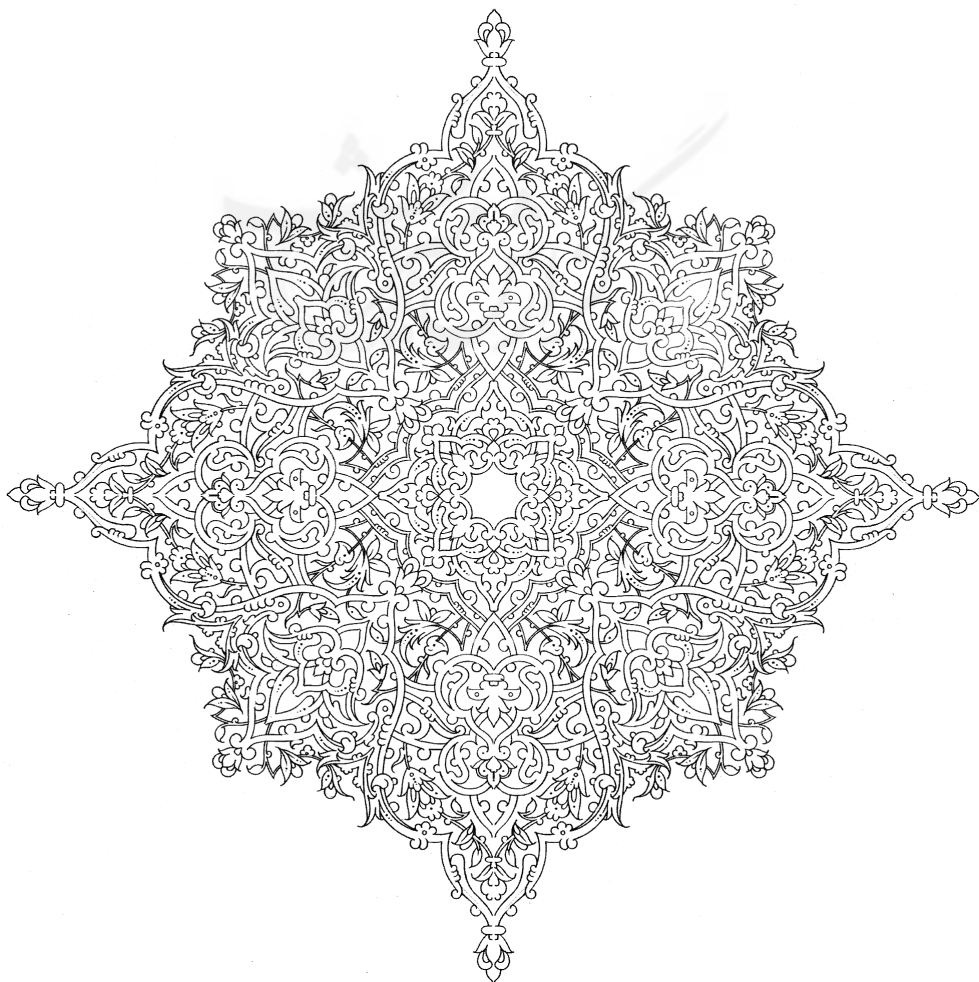
در مقاله حاضر متن چاپی زرّین‌قبانامه را با دست‌نویس نویافته ف تطبیق دادیم و تفاوت ضبط‌های آن دو را در یک بخش تا حدّ امکان نقد و بررسی کردیم و برخی موارد مهم‌تر را توضیح دادیم و تفسیر کردیم و در بخشی دیگر در قالب جدولی که هر دو ضبط را نشان می‌دهد نتایج بررسی را ثبت کردیم. این بررسی نشان داد که با توجه به متن دست‌نویس مهمّ نویافته و نکته‌های راه‌گشای تازه‌یافته‌شده آن، و همچنین ضبط‌های ناروشن و سست و سهوهای متن چاپی، که گاه منجر به اخلاص و تغییر روند ابیات و در نتیجه داستان شده‌است، زرّین‌قبانامه نیاز به تصحیح و ویرایشی دوباره دارد.

زرّین‌قبانامه کتاب بزرگی است و مصحح آن شاهنامه‌شناس و حماسه‌پژوه کاردان و دقیق‌النظری است. نگارنده این سطور با علم به این‌که هیچ کتاب بزرگی از سهوها مصون نمی‌ماند، هم‌فکری شاگردانه‌ای با مصحح محترم درباب ویرایش نوین احتمالی کتاب نمود تا در راه اعتلای ادب حماسی ایران قدمی برداشته‌باشد.

منابع

- آیدنلو، سجّاد (۱۳۹۲ الف). «برخی نکات و بن‌مایه‌های داستانی منظومه پهلوانی - عامیانه زرین‌قبانامه». فرهنگ ادبیات عامه، دوره ۱، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱-۴۰.
- _____ (۱۳۹۲ ب). «چند واژه نادر و نویافته در منظومه پهلوانی زرّین‌قبانامه». متن‌شناسی ادب فارسی، س ۴۹، ش ۲ (پیاپی ۱۸، تابستان): ۲۱-۳۸.
- _____ (۱۳۹۳). «زرّین‌قبانامه: منظومه پهلوانی ناشناخته». زبان و ادبیات فارسی، س ۲۲، ش ۷۷ (پاییز و زمستان): ۷-۳۸.
- اتونی، بهزاد (۱۴۰۰). «پیشنهادهایی درباره تصحیح منظومه شاهنامه‌اسدی (زرّین‌قبانامه)». متن‌شناسی ادب فارسی،

- قائمی، فرزاد (۱۳۹۱). «معرفی انتقادی، متن‌شناسی و نقد متنی حماسه‌ناشناخته شاهنامه اسدی». جستارهای ادبی، ش ۱۷۸ (پاییز): ۱۰۵-۱۳۱.
- _____ (۱۳۹۳). «بررسی متن‌شناختی جایگاه سلیمان (ع) در روند تکوین حماسه‌های ایرانی». متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، ش ۴ (پیاپی ۲۴، زمستان): ۱۱۷-۱۳۶.
- _____ (۱۳۹۵). «متن‌شناسی انتقادی (نقد متنی) نسخ یکی از نظیره‌های شاهنامه فردوسی (شاهنامه اسدی) و ارائه الگوی عملی جدیدی برای ارزیابی کیفی-کمی نسخ یک متن به یاری مطالعه موردی». در: مجموعه مقالات همایش شاهنامه پس از شاهنامه. به کوشش فرزاد قائمی، زیر نظر محمدجعفر یاحقی. مشهد: به‌نشر. ص ۳۴۳-۳۶۸.
- _____ (۱۳۹۸). «تبلور عرفان اشراقی در ادبیات شفاهی شیعه پیشاصفوی». پژوهشنامه عرفان، س ۱۱، ش ۲۱ (پاییز و زمستان): ۱۰۵-۱۲۵.
- کلافچی، محمد (۱۳۹۳). یک سده انجمن‌های شعر و ادب در استان همدان. همدان: برکت کوثر.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۴۵). سبک خراسانی در شعر فارسی. تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۷۱). آفرین فردوسی. تهران: مروارید.
- نجاری، محمد و ابوالقاسم قوام (۱۳۹۵). «ظرفیت‌های نمایشی زرین‌قبانامه بر اساس شخصیت‌پردازی سلیمان نبی (ع)». کهن‌نامه ادب پارسی، دوره ۷، ش ۴: ۱۳۳-۱۵۲.
- _____ (۱۳۹۶). «نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی و اکاوی نقل دینی در منظومه زرین‌قبانامه». جامعه‌پژوهی فرهنگی، س ۸، ش ۳ (پاییز): ۱۶۵-۱۹۹.



Gozaresh-e Miras

101

Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology
Third Series, vol. 7, no. 4, Winter 2022
[Pub. Winter 2024]

Proprietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

General Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, **Fax:** 66406258

Website: www.mirasmaktoob.com

E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

Table of Contents

Editorial

Jalal Matini and His Contributions to the Persian Written Heritage 3-4

Articles

Takhbīr al-Kalām: A Newly Found Work by Sayf al-Dīn Isfarangī on the Reasons for Revelation of Some of the Quran's Surahs and Verses / Behrouz IMANI 5-9

A Remnant of the Seljuq Period in Aleppo / Ahmad KHAMEYAR 10-12

A Few Mongolian Words and Expressions in *Al-Wasā'il Ilā al-Rasā'il* / Ali SAFARI AQ-QALEH 13-19

By the Might of the Royal Arm: on the Georgian Name of Allāhwerdī Khān / MohamadSadegh MIRZAABOLQASEMI 20-22

In Defense and Devotion: Affective Practices in Early Modern Turco-Persian Manuscript Paintings / Christiane GRUBER; Translated by Nastaran NEJATI 23-50

Three Etymological Notes / Hassan REZAI BAGHBIDI; Translated by Milad BIGDELOO 51-54

Some Evidence for the Accuracy of Bundari's Translation of *Māda Sihr* to *Nāqatu Binti Thalāthīn* / Hossein SHAHRABI 55-63

On the Monostichs and Quatrains of Hussayn 'alī Mīrzā Farmānfarmā / AliReza KHAZAI 64-69

An Introduction to the Challenges of Cataloging Persian Manuscripts in Poland: An Overview of the Manuscripts of *Bahār-i Dānish* and *Ṭuṭī Nāma* in Warsaw and Wrocław / Stanislaw Adam JAŚKOWSKI 70-80

Newly Discovered Poems of Khālis-i Astarābādī / Seyyed Hadi MIRAGHAI 81-87

Reviews and Critiques

A Contemplation on the Edition of *Ahsan al-Qiṣaṣ*: Collating the Edited Text with the Base Manuscript (Preserved in the Library of Celebi Abdullah in Turkey) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR 88-99

A Review of the Textual Variations Between the Edited Text of *Zarrin Qabā Nāma* and a Newly Discovered Manuscript / Sadegh ARSHI 100-113

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (15) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 114-117

Iran in Ottoman Texts and Sources (28)

Life and Works of Freyduṅ Beyk / Nasrollah SALEHI 118-122